



رضافکری به‌عنوان یک ایرانی به ار کستر آنتالیا پیوسته است، این انتخاب بر چه اساسی صورت گرفته و آیا قرار است نوازندگان یا خوانندگان دیگری از ایران به این ارکستر بیوندند؟

قبل از هر چیز باید بگویم که من تازه‌حال هیچ هنرمند ایرانی‌ای را نشوقی به ترک ایران نکرده‌ام، چراکه عقیده دارم، هر هنرمندی که ایران را ترک می کند راه را برای افراد بی‌استعداد در ایران بازتر می‌گذارد.البته مناسفانه‌بی‌توجهی وزارت فرهنگ و ارشاد و گروه مافیایی اطراف این‌وزار تخانه، باعث فرار تعداد زیادی از هنرمندان بااستعداد از مملکت بوده و هستند چون وزارت ارشاد ما اصلا برنامه‌ای برای جلب و نگهداری استعدادها ندارد و فقط مراقب دوستان است.

در ۵۰سال گذشته که من خارج از ایران بوده‌ام به هر ایرانی‌ای که کمک خواسته دریغ نکرده‌ام؛ گاهی موفقیت‌آمیز و گاهی بدون موفقیت قطعات آهنگسازان ایرانی را هم که برایم فرستاده‌اند همیشه برای رهبران دیگر ارسال کرده‌ام که بدون پارتی‌بازی اگر علاقه‌مند هستند آن را رهبری کنند.

باچندین رهبر و نوازنده جوان ایرانی در منزل کم‌درام تابرای امتحان یا مسابقه‌ای آماده شوند؛ با ارکستر پارسیان دو هفته به‌صورت رایگان در استانبول کار کردم، برای رهبران جوان حتی راه رایز کرده‌ام که بتوانند بعداز رهبری چندار کستر به ارکسترهای دیگر دعوت شوند، به‌خصوص در رشته رهبری ارکستر همیشه نصیحت کرده‌ام که حسابی در این رشته تحصیل کنند و مانند اغلب ایرانی‌ها فکر نکنند که با پارتی‌بازی درست می‌شود.

مهم‌ترین کمک این است که به‌او امکان رهبری

یک کنسرت را بدهند و بعد از موفقیت به این ارکستر و ارکسترهای دیگر دوباره‌دوباره دعوت شوند.

یکی از افرادی که بیش از هرکسی از کمک من برخوردار بوده، شهرداد روحانی است. ایشان را که سال‌ها از من کمک می‌خواستند به ارکسترهای فیلیهارمونیک زاگرب، آنکارا، بورسا و رادیو براتیسلاوا برای رهبری موسیقی سبک و موسیقی فیلم آوردم (رشته‌ای که در آن استعداد دارند) که این باعث دعوت‌های دیگر بشود. نمی‌دانم چرا نشد، ولی می‌دانم اگر ایشان این رشته را جدی گرفته بودند و به‌صورت جدی در این رشته تحصیل کرده بودند، این اتفاق نمی‌افتاد. به ایشان که مدتی هم شاگرد من بودند می‌گفتم که در این دوره باید مانند رشته پزشکی تخصص پیدا کرد.

کمی ویولن‌زدن، کمی پیانو‌زدن، کمی آهنگسازی کردن، کمی تنظیم‌کردن و کمی موسیقی فیلم رهبری کردن هیچ‌وقت نمی‌تواند نتیجه خوبی داشته باشد.

آقای فکری هم از استعدادهایی است که در ایران به او توجهی نشده است، از من کمکی خواست و من هم مانند همیشه کمکی حرفه‌ای کردم. ایشان می‌خواستند برای اپرای آنتالیا امتحان بدهند و من هم مانند‌دها ایرانی دیگر برای‌شان این‌امتحان را بدون پارتی‌بازی تقاضا کردم.ایشان قبول شدند و خدا را شکر به‌او اجازه خواندن نقش‌های مختلف در این اپرا داده شده است. حال‌اینکه ایشان موفق بشوند یا خیر، دیگر دست خودشان است.

**ارکستر آنتالیا چه جایگاهی در دنیا دارد و ارکستر سمفونیک تهران را که شما رهبری می‌کردید چه تفاوت‌هایی با این ارکستر دارد؟**

همان‌طور که گفتم ارکستر آنتالیا به عقیده من بهترین ارکستر ترکیه است. برای فهمیدن این‌که یک ارکستر در چه سطحی است، همیشه باید دید چه کسی آن را رهبری می‌کند. این اتفاق مودی است که در ایران در تمام ۸۰سال رعایت نشده است.

آقای «ار تورو توسکانینی» مشهورترین رهبر دنیا گفته است، یک ارکستر ضعیف نیاز به یک رهبر بسیار قوی دارد. خیلی از ارکسترهای ضعیف‌تر در دنیا رهبر ضعیف‌تر و از‌زان‌تر پیدا می‌کنند. خوشبختانه رسانه‌های ایران برای اولین‌بار شروع کرده‌اند تا این مشکل را جدی بگیرند.

**شما تنها ایرانی‌ای هستید که ۴۰ سال پیش در چنین زمانی برنده مدال طلای مسابقات جهانی رهبری ارکستر شد‌ید و تا به‌امروز هیچ رهبر ایرانی دیگری موفق به در یافت آن نشده است، درباره این مسابقات و اهمیت جایگاهش در دنیا توضیح یفر ما کنید؟**

بله، درست ۴۰ سال پیش من برای ایران مدال طلای رهبری ارکستر در جهان را دریافت کردم. مدال طلایی که تا به‌امروز فقط کشورهای ایران و اسرائیل از خاورمیانه توانسته‌اند به‌دست بیاورند و خدا را شکر که به پیشنه‌اه و همت دکتر سعدی حسنی، مصطفی کمال پورتراب و حسین دهلوی در این مسابقه جهانی شرکت کردم. این افراد اعتقاد داشتند که بسا موفقیت در این مسابقه درهای دنیا به روی رهبری باز می‌شود و حق می‌دانند.با کمی جست‌وجو در رزومه برندگان این مدال طلا به‌سرعت به اهمیت آن در کشورهایی چون آلمان، فرانسه، اتریش، لهستان، چکسلواکی، ژاپن، دانمارک، کانادا، بلغارستان، رومانی، هلند، انگلیس، چین، اوروگوئه، تایوان، امریکا، ایتالیا، اسپانیا و سنگاپور که موفق به دریافت مدال طلا شدند، پی می‌برید و به‌سرعت متوجه خواهید شد که اهمیت این مدال برای این کشورها برخلاف کشور عزیز ما ایران به‌مراتب مهم‌تر از مدال طلای وزنه‌راری بوده است.

مناسفانه در کشور ما به دو علت از روی این مدال طلا باسکوت فراوان بیش از ۴۰سال عبور شده است، اول به‌خاطر پایین بودن سطح فرهنگ و معلومات کلی مسئولان دولتی و دوم موسیقیدان‌ها و رهبران داخلی که برای حفظ مقام خود از ورود افرادی بالاتر وحشت داشته‌اند. هنوز هم بعد از ۴۰ سال این دو گروه جلوی چشم جناب ریاست جمهوری و وزارت فرهنگ و ارشاد ایران غوغا می‌کنند.

حدود ۳هفته پیش یک ایرانی جایزه رهبری ارکستر در آلمان را برد. بنده شاهد بوده‌ام که این خبر در کشورهای دیگر با تبریک رئیس‌جمهور، وزیر فرهنگ وارشاد، معاونت هنری هم‌راه بوده

درصورتی که در ایران حتی آقایانی که به اصطلاح

مشاوران مزدبگیر موسیقی این‌وزار تخانه هستند، آن را نادیده گرفتند.

این جوان فقط چندسال پیش از ایران رفته است وبنده بیش از هر کسی این بی‌اعتنایی را درک می‌کنم البته به‌امید خدا کشورهای دیگری هستند که به‌دنیاال ایشان می‌دوند و به‌احتمال زیاد قدرش را نیز می‌دانند. فقط در کشور ماست که دائم می‌گویند ما جلوی فرامغزها را می‌گیریم.

**امسال این مسابقه چندمین دوره برگزاری‌اش را پشت‌سر گذاشت؛ رهبران ارکستر بر چه اساسی در آن شرکت می‌کنند؟**

مسابقات جهانی رهبران جوان ارکستر که از سال ۱۳۳۰ تاکنون هرساله در فستیوال موسیقی کلاسیک در شهر بزاسون فرانسه برگزار می‌شود، هرساله با شرکت ۲۰ تا ۳۰ کشور پیشرفته جهان انجام می‌شود.

دشواری در آزمون این مسابقه شهرت جهانی دارد، موفقیت در این مسابقه نه‌تنها برای چهره کشور‌ها اهمیت خاصی دارد بلکه برای رهبر برنده راه پرسرعتی به‌ارکسترهای بزرگ سمفونیک دنیا باز می‌کند. اکنون این مسابقه هر ۳سال یکبار انجام می‌شود و هرساله کشور‌های مختلف برای دریافت مدال تلاش می‌کنند.

کشورهایی مانند روسیه، سوئیس، ایرلند، اوکراین، ترکیه، هندوستان، سوئد، فنلاند، نروژ، پرتغال، کرواسی، صربستان، استرالیا و مکزیک که دائم شرکت کرده‌اند هنوز بعد از ۶۰ سال موفق به دریافت مقام اول نشده‌اند و لازم به ذکر است که از آن روز تا به‌حال هیچ ایرانی دیگری هم موفق به کسب مقام در هیچ کدام از این مسابقات بین‌المللی نشده است.

شرایط شرکت در این مسابقه در مرحله اول به رزومه کاندیدا ارتباط پیدا می‌کند. در صورت قبول شرکت، این رهبر باید در دوره‌های مختلف در حضور داوران که معمولاً از رهبران مشهور تشکیل شده، با جوانان دیگر رقابت و قطعات سختی را رهبری کند.

زمان من، قسمت نیمه‌نهایی که سخت‌ترین مرحله بود اکثر شرکت‌کنندگان را بیرون انداختند، در این مرحله که به دو قسمت تنظیم شده بود، در قسمت اول باید یک قطعه مدرن که شرکت‌کنندگان آن را نمی‌شناختند برای اولین‌بار رهبری کند و در قسمت دوم باید در هشت‌دقیقه، هشت اشتباهی را که عمدتاً توسط ژوری در نت‌های نوازنده‌ها نوشته شده بود پیدا کند. بعد از این مرحله فقط ایران و چکسلواکی به فینال مسابقه رسیدند.

دریافت مدال طلای فرانسه، در‌های بزرگ ارکسترهای مشهور جهان را به روی این رهبران جوان ایرانی باز می‌کند و در همین سال بود که ارکستر سمفونیک نورنبرگ آلمان من را به‌عنوان مدیر هنری و رهبر دائم انتخاب کرد و بعد از آن دعوت‌نامه، به بیش از یکمدر ارکستر دنیا معرفی شد.

البته من شانسان این را داشتم که یک‌سال بعد مدال نقره مسابقات جهانی در ژنو را نیز دریافت کنم. این مسابقه از برندگان مسابقات سال‌های گذشته انجام شد که اهمیت خاصی داشت و من را به ارکستر برلین و دستپاری رهبر بزرگ آقای «فون کارایان» آورد.

باید در این مورد اشاره‌ای کنم؛ از آنجایی که عده زیادی در مملکت ما با رزومه‌هایی دروغی به ایران آمده‌اند، بعضی‌ها واقعا فکرم می‌کنند این همه موفقیت پشت‌سر هم، برای یک ایرانی نمی‌تواند حقیقت داشته باشد.

**تاکنون از ایران رهبر ارکستری بعداز شما موفق به دریافت جایزه از این مسابقه شده است؟**

در ۶۰ سال گذشته ایران تنها کشور مسلمان برنده طلای این مسابقه بوده و تا‌به‌حال کشور دیگری در خاورمیانه به غیر از اسرائیل، موفق به دریافت مدال طلا نشده است. تا آنجایی که من اطلاع دارم تا‌به‌حال ۳ ایرانی دیگر در این مسابقه شرکت کرده‌اند ولی در دوره‌های اولیه خارج شده‌اند.

**در حال حاضر چه برنامه‌هایی در دست انجام داردید؟**

در‌حال حاضر برای چندین کنسرت با ارکسترهای فیلیهارمونیک اسلواکی و ارکستر سمفونیک دولتی

آنتالیا آماده می‌شوم ولی در بهترین لحظات عمر هنرم‌ام هستم، چون که بعد از سال‌ها توانستم مجموعه بزرگ «مادرم ایران»، را به‌مناسبت نودمین سال تولد استاد حسین دهلوی به پایان برسانم.

**برای من ایران**

**و ایرانی بودن**

**همیشه مادرم**

**بود، سال‌های**

**سال هر گاه**

**بین کنسرت‌ها**

**به دیدن مادرم**

**در شیر وین**

**می‌رفتم،**

**می‌شیدم که**

**مادرم مرتب**

**به موسیقی**

**سنستی و**

**به‌خصوص**

**صدای آقای**

**شجریان گوش**

**می‌دهند،**

**به‌همین دلیل**

**هم حدود ۴**

**سال پیش در**

**مصاحبه‌ای**

**انتشار**

**مجموعه**

**«مادرم ایران»**

**به صورت**

**رسمی اعلام**

**کردم**

**نام‌ها و یاد‌ها**

**هر هفت قسمت مجموعه «مادرم ایران» به یک شخصیت بارزش همچون روح‌الله خالقی، مصطفی پور تراب، رحمت‌الله بدیعی، محمدرضا شجریان، حسین علیزاده، مادرم(همدم رهبری) و حسین دهلوی تقدیم شده‌است.**

## روح‌الله خالقی

قسمت اول، «عاشقم بر همه عالم» برای خواننده و ار کستر بزرگ سمفونیک روی شعر سعدی است که به استاد روح‌الله خالقی تقدیم کرده‌ام.

در مجموعه «مادرم ایران» از تم سرود «ای ایران» اثر جاودانه استاد «روح‌الله خالقی» استفاده شده و امروز ما توانایی نوشتن این قطعات برای ارکستر سمفونیک را مدیون استاد هستیم، من این بخش را به نام ایشان نام‌گذاری کردم.

### مصطفی کمال پور تراب

استاد پورتراب برای اکثریت موسیقیدان‌های ایرانی ارزش به‌خصوصی دارند، پایه اساس و سواد یک موسیقیدان بستگی به درس سلفژ و هارمونی دارد و استاد پور‌تراب در این رشته از مهارت خاصی برخوردار بودند، ایشان تا آخرین روزهای عمرشان با من رابطه خاصی داشتند. ضمناً ما باهم چندین بار در مورد نفوذ موسیقی عربی در موسیقی امروز ایرانی صحبت کرده بودیم و به‌همین دلیل قسمت دوم این مجموعه را که عربیزاسیون بدون کلام است، به ایشان هدیه کرده‌ام.

### رحمت‌الله بدیعی

قسمت سوم مجموعه «مادرم ایران» دعای بچه‌ها نام دارد که بدون کلام است و به استاد رحمت‌الله بدیعی تقدیم کرده‌ام.

استاد رحمت‌الله بدیعی استاد من برای یادگیری ردیف استاد صبا بودند؛ این استاد بزرگ نه‌تنها در موسیقی سنتی بلکه در موسیقی غربی نیز مهارت خاصی داشتند. ایشان هنرمند بزرگی هستند که در هلند زندگی می‌کنند. «دعای بچه‌ها» عنوان قسمت سوم است که روی تمی نوشته شده که ما در دبستان صبح‌ها به‌صورت دعا می‌خواندیم.

### محمدرضا شجریان

قسمت چهارم از این مجموعه عنوان «مادرم ایران» و دارد که برای خواننده و ارکستر بزرگ سمفونیک با الهام یکی از اتودهای استاد صبا روی شعر محمد فرید ناصری، نوشته‌شده و تقدیم به استاد «محمدرضا شجریان» شده است؛ همان‌طور که اشاره کردم، آقای شجریان خواننده محبوب مادرم و مردم ایران هستند و این قطعه برای صدای ایشان نوشته شده است، وقتی که این قطعه را می‌نوشتم اصلاً نمی‌دانستم که ایشان اجازه خواندن ندارند، بعداً خیلی ناراحت شدم؛ البته اطمینان دارم خواننده‌های جوان دیگری آن را به‌یاد این هنرمند بزرگ خواهند خواند.

### حسین علیزاده

قسمت پنجم، نوحه‌خوان برای ویولن و ارکستر، تقدیم به استاد حسین علیزاده شده است. نوحه‌خوان یک قطعه واورتور برای ویولن سلو و ارکستر سمفونیک است که تم‌های اصلی آن را در سن ۲۰۱۹ سالگی نوشته‌ام و احتمالاً بهترین کار من خواهد بود. استاد علیزاده دوست و شخصیتی بزرگ است. با آقای علیزاده رابطه قلبی انسانی و هنری بخصوصی دارم، او هم‌درسه‌های ما و هم‌کلاسی خواهرم فرشته بوده است و برای‌شان احترام خاصی قائلم.

### حسین دهلوی

قسمت هفتم، دنیای بدون جنگ برای خواننده و ارکستر بزرگ سمفونیک روی شعر محمد فرید ناصری و الهام از سرودهای ایران تقدیم به استاد حسین دهلوی است.

این قسمت با حدود ۳۰ دقیقه، طولانی‌ترین و جالب‌ترین قسمت این مجموعه است که برای استاد بزرگ حسین دهلوی نوشته شده است. استاد حسین دهلوی حق بزرگی به گردن موسیقیدان‌های ایرانی دارند.

حدود ۴۰ سال پیش اثر «بیژن و منیژه» ایشان را در نورنبرگ آلمان که برای اولین‌بار در اروپا مدیر هنری شده بودم، ضبط کردم و حدود ۱۸ سال پیش ایشان را به وین دعوت کردم که قطعه «مانی و مانا» را برای‌شان ضبط کنم. ایشان در آن زمان با دوست عزیزم آقای احمد پژمان به وین آمدند. ۳۰ سال بود که ایشان را ندیده بودم. خیلی دلم برای این استاد بزرگ سوخت؛ دائم می‌گفتمد اینها دیگر که هستند، اینها دیگر از کجا آمده‌اند. منظورشان همین‌هایی بود که امروز هم به‌صورت مافیایی موسیقی مملکت را در دست گرفته‌اند. همین‌هایی که در تمام شور‌های مختلف شرکت دارند و مشغول رفیق بازی هستند. افرادی مانند استاد حسین دهلوی و هوشنگ استوار توسط یک گروه ضعیف و تازه‌کار کنار گذاشته شده و از امکانات مملکت برای دوستانشان استفاده کرده‌اند. حسین دهلوی، امروز به بیماری آلزایمر دچار شده است و سال‌های‌سال قبل از بیماری، روز‌های سختی را پشت‌سر گذاشته‌اند.

### همدم رهبری

قسمت ششم اشک مادر (یتیمی دردی در مان) تقدیم به مادرم همدم رهبری نقوی نائینی.

مادری که بدون او، من و خواهرانم هرگز به اینجا نرسیده بودیم. مادری که با وجود مرگ چندین فرزند با کمال قدرت و اعتقاد به هنر از ما تا روزهای آخر عمرش حمایت کرد.این قسمت که روی تم شام غربیان نوشته‌شده و کمی هم غمگین است، برای مادرم نوشته‌ام، که بچه‌های یتیم این بخش را می‌خوانند.

**سینما**

**در مراسم افتتاحیه «هفته فیلم آلمان» اعلام شد**

## اکران فیلم‌های هنری خارجی در سینماهای گروه هنر و تجربه



ساخته شده است.»او خاطر نشان کرد: «در این هفته توبی اشرف که دبیر جشنواره هنر برلین، منتقد سینما و همکار جشنواره برلیناله است، به‌طور ویژه حضور دارد و نشست‌هایی را در سه شهر ایران درباره سینمای امروز آلمان و تولید مشترک خواهد داشت. از آنجایی که آلمان جزء اروپاست، ماایلم شما را به یک برنامه که در موزه سینما برگزار می‌شود با عنوان هفته فیلم‌های اروپایی دعوت کنم.»

بهمن نورایی اجرا و ترجمه این مراسم را برعهده داشت. این مراسم با اجرای سرود ملی ایران و آلمان به‌طور رسمی آغاز شد و در ادامه با کلیپ معرفی آثار این هفته فیلم ادامه پیدا کرد.

رایزن فرهنگی و کمپانی سینمایی واروآنی این برنامه را با حضور مخاطبان خاص اجرا می‌کند. خوشحالم که پنجره سینمای ایران برای ورود درپچه‌های خاص برای سینما دوستان آلمانی‌باز است.»

او ضمن اشاره به برگزازی «هفته فیلم آلمان» در تهران عنوان کرد: «در تشریح و فراز و فرات تاریخ سینمای آلمان در مقاطع خاص، این سینما توانسته با جریان مسلط، رویدادها و آثار فراموش ناشدنی‌ای را به یادگار بگذارد.

دوره‌هایی مانند سینمای اکسپرسیونیست در دهه ۲۰ و سینمای نوین آلمان در دهه ۶۰ و ۷۰؛ دورانی که هنوز خاطرات ماندگاری را در خاطره سینما دوستان جهان ثبت کرده است.»

در ادامه فولکر، رایزن فرهنگی سفارت آلمان در ایران ضمن خوشامدگویی به حضاران عنوان کرد: «فکت‌گو و همکاری مشترک با پروژه‌هایی مانند هفته فیلم آغاز می‌شود. در روزهای آتی با هفت فیلم که شش فیلم آن محصول آلمان و یکی محصول سوئیس است، در سه شهر تهران، کرمان و شیراز مواجه می‌شوید. این آثار طیف گسترده‌ای از موضوعات را شامل می‌شوند. به عنوان مثال «بیلا» با موضوع وعده خوشبختی از طریق پول و جنونی که در پس آن وعده وجود دارد

مراسم افتتاحیه «هفته فیلم آلمان» با حضور جمعی از هنرمندان، سفرا و نمایندگان سفارتخانه‌ها همگام هفتم آبان ماه در تالار ناصری خانه هنرمندان برگزار شد. در بخشی از این مراسم جعفر صائعی‌مقدم از اکران فیلم‌های هنری خارجی در سینماهای گروه هنر و تجربه آلمان در تهران و دست‌اندار کاران گروه هنر و تجربه و ۹۶ همکاری جشنواره جهانی فیلم فجر، فیلم‌های هنری خارجی را در سالن‌های سینمایی این گروه اکران می‌کند.

پنجره‌های باز سینمای ایران برای سینماگران آلمانی در بخش ابتدای مراسم افتتاحیه هفته فیلم آلمان در تهران؛ علیرضا تایش، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی ضمن خوشامدگویی به فولکر، رایزن فرهنگی سفارت آلمان در تهران و دست‌اندار کاران گروه هنر و تجربه و ۹۶ همکاری جهانی فیلم فجر، فیلم‌های هنری خارجی را در سالن‌های سینمایی این گروه اکران می‌کند. در ادامه نمایشگاه «ما تصویر گر خود هستیم» توسط بنفشه احمدزاده، نمایشگاه «شان آبان» توسط غزاله بیگلردو و نمایشگاه «تصویر گران شهر» توسط مانلی منوچهری افتتاح شد. غریب‌پور در نشست مطبوعاتی گفته بود که نمایشگاه «ما تصویر گر خود هستیم» علاوه‌بر نمایشگاه، بیانیه جمعی تصویر گران در دفاع از حرفه تصویرگری است که در میان هنر‌های معاصر، مورد بی‌مهری بیشتری قرار گرفته است.